



"کنفرانس حقوق بشر، دموکراسی و فدرالیسم در ایران"

پارلمان اتحادیه اروپا - بروکسل، اول و دوم آوریل ۲۰۰۹

ایران، سرزمین بحران ها و تفاوت ها

مقاله ارائه شده به "کنفرانس حقوق بشر، دموکراسی و فدرالیسم در ایران" که علی رغم اشتیاق فراوان برای شرکت در این کنفرانس، بدلیل مشکلات غیرمنتظره شغلی انجام آن میسر نگردید

ایران سرزمینی که من در چارچوب ماندگاری و تمامیت ارضی آن تلاش می کنم مجموعه ایست که در حال حاضر در محاصره بحران های متفاوت و متعدد قرار گرفته است که شکل حاکمیت سیاسی و متمرکزش یکی از مشکلات اساسی آن در گذشته تا کنون بوده و امروز در بالاترین نقطه انفجار خود می باشد. مشکل بزرگی که خود مانع به وجود آمدن دموکراسی و حکومت مردم بوده است.

ایران، امروز با ۱,۶۴۳,۱۹۵ کیلومتر مربع ۷۱ میلیون جمعیت را در خود جای داده است که حدود ۵۴ میلیون آن (۵۳,۴۸۵,۰۰۰) کمتر از ۴۰ سال دارند^۱ و تمامی آنها در محاصره بحران های متفاوت و متعددی هستند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- بحران اقتصادی

علی رغم درآمد سرشار نفت در ۳۰ سال گذشته که بر اساس داده های آماری حکومت جمهوری اسلامی متجاوز از ۱۱۰۰ میلیارد دلار بوده است^۲ که خود ۱۱ برابر بیشتر از کل درآمد نفتی ایران در یکصد سال گذشته می باشد، بدلیل نبود مدیریت، فساد و سوء استفاده های بیش از حد، هزینه های سرسام آور حمایت های تروریستی در منطقه و در سطوح بین المللی و... موجب گشته است که از یکسو تورم و بیکاری و از سویی دیگر فقر و گرسنگی گریبان اکثریتی از مردم را گرفته که بنا بر آمارهای متفاوت حکومتی ۳۱۴ تا ۲۰ میلیون نفر زیر خط مطلق فقر و گرسنگی و حدود ۱۰ درصد جمعیت کل کشور درحاشیه شهرها زندگی می کنند^۳.

۲- بحران اجتماعی

بحران های اجتماعی تهدید های فراوانی را بر جامعه و خاصه جوامع دارای جمعیت جوان دارند، در ۳۰ سال گذشته که تلاش حکومت بر اسقرار حکومت ایدئولوژیک مذهبی بوده است بیشترین رویارویی میان هویت و مذهب یعنی اصالت و هویت ایرانی و عدم پذیرش دین و مذهب حکومتی برای ایرانیان که هویت ایرانی برایشان از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است به وجود آمده که خود به همراه دیگر عوامل موثر باعث آسیب های فراوان اجتماعی مانند برخوردهای دینی - مذهبی، اعتراض های گسترده طبقات

^۱ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ - تاریخ انتشار اردیبهشت ۱۳۸۶ تهران مرکز آمار ایران

^۲ گزارش ربع قرن - عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۱، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بهمراه درآمدهای نفتی اعلام شده در هفت سال گذشته

^۳ نشریه آمارهای اقتصادی ایران وابسته به بانک مرکزی ایران در تابستان امسال گزارشی منتشر کرد که در آن افراد زیر خط فقر در این کشور حدود ۱۴ میلیون نفر برآورد شده است - http://www.bbc.co.uk/persian/business/story/2008/08/080804_ka-poverty.shtml

^۴ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۸ - حسین راغفر پژوهشگر حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در مصاحبه با اعتماد ملی http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/02/090221_ka_slumdog_iran.shtml



حسین لاجوردی

مختلف اجتماعی مانند : جوانان، زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان و...، و از سوئی دیگر فرار مغزها و مفساد اجتماعی مانند اعتیاد گسترده، فحشاء، عدم امنیت و سقوط اخلاق و فرهنگ اجتماعی را به همراه داشته است.

۳- بحران سیاسی

بحران سیاسی ایران در دو بخش داخلی و بین المللی شکل پیدا می کند :

۳-۱ - بحران داخلی

خواست های آزادیخواهانه و داشتن جامعه ای آزاد و دموکراتیک، خواست تمامی اقشار اجتماعی و بیشترین آن نسل جوان کشور است که حکومت در مقابل آن ایستاده و به شدت آنرا سرکوب می کند.

۳-۲ - بحران خارجی

در رژیم جمهوری اسلامی دو هدف مشخص، روشن و پیگیر وجود دارد :

۳-۲-۱ - اشاعه و ترویج تفکر و حکومت شیعی و حمایت آن به اشکال متفاوت و از جمله پرداخت هزینه، سازماندهی و آموزش و انجام حرکت های تروریستی برای تشکیل کمربند شیعی از لبنان به کابل و از کابل به تهران و بغداد و کشورهای حاشیه خلیج فارس است که بتوانند " خلافت اسلامی " را تشکیل دهند.

۳-۲-۲ - بحران انرژی هسته ای و بمب اتمی که برای حمایت کامل از هدف های منطقه ای و بین المللی خواهد بود.

و برای به نتیجه رسیدن سیاست ها و هدف های مشخص حکومت جمهوری اسلامی، مردم ایران در زیر سخت ترین سرکوب های ممکن قرار دارند و دنیای غرب هم از یکسو با ساده اندیشی و از سوئی دیگر با طمع قراردادهای پر سود اقتصادی با رژیم در انتظار سر به راه شدن حکومت جمهوری اسلامی به سر می برد.

۴- بحران فرهنگی - سیاسی

ایران از مجموعه اقوام آن شکل گرفته است و نبود هر کدام از آنها به مثابه نبود یک عضو از اعضای بدن خواهد بود، در تعریف "ایران" باید به این نکته اشاره کرد که ایران مجموعه ایست از تمامی اقوام آن که ایران کامل را به وجود آورده و هیچگاه به نام قوم و قبیله خاصی نبوده است و اگر در عهد باستان به ایران "پرس" گفته می شده تنها بدلیل پایتخت سیاسی آن در فارس بوده است و نه بدلیل اهالی فارس قدیم و از این رو ایران را در برهه هائی از تاریخ "پرس" گفته اند.

امروز وجود حکومت جمهوری اسلامی و وجود حاکمیت ایدئولوژیک دینی که هیچگونه امتیازی را از سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جز برای گروه کوچک حکومتی خود که همان مسلمانان شیعه اثنی عشری دوازده امامی هستند قائل نیست، باعث بوجود آمدن مسائل و مشکلاتی برای اقوام ایران شده است و می تواند مخاطره آمیز شود و از این رو باید بدنبال راه حل های مناسب آن تلاش کرد.

۵- نتیجه گیری

حکومت غیر متمرکز، فدرالیسم و یا هر نوع حاکمیت دیگری که قدرت حکومت را در اختیار تمامی ایرانیان قرار دهد و از میان رفتن قدرت حکومت مرکزی تنها راه آینده ایران است و حاکمیت دموکراسی آنرا رقم خواهد زد.

نمونه هائی در تاریخ ما وجود داشته است، نمونه هائی بسیاری در جهان امروز ما وجود دارد ولی هیچکدام آنها نسخه پیچیده شده برای مشکلات امروز ایران و برای تشکیل یک حکومت غیر متمرکز و یا فدرال نیست، و از آنجائیکه باید به سوی اداره کشور با یک حکومت غیر متمرکز بود، باید تلاش کرد که



حسین لاجوردی

طرح ها و برنامه هائی به وجود آید که ساختار حاکمیت غیر متمرکزی را پیشنهاد کند که با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران هم آهنگی و هم خوانی داشته باشد، حال با هر عنوانی که مورد تأیید مردم و نمایندگان آنها در یک مجلس موسسان که نمایندگان واقعی مردم در آن حضور داشته باشند قرار بگیرد و در غیر این صورت هر آنچه ما شعار دهیم و هیجان ایجاد کنیم راه به جایی برده نمی شود. باید مطالعات و دست آوردهائی امروز بوجود بیاید که در آینده بدون جمهوری اسلامی به تحقق بیوندد.

باید توجه داشت که مسائل و مشکلات مردم ایران، امروز در یک مجموعه "فدرالیسم" خلاصه نشده است و در یک کلیت قرار دارد و آنهم تمامی مشکلاتی است که گریبان همه ملت ایران را گرفته است.

باید بتوانیم فارغ از زن و مرد، پیر و جوان، روستائی و شهری و کرد و ترک و بلوچ و لر و عرب ایرانی و ترکمن و گیلانی و مازندرانی با یک تفکر و همکاری و همدلی و به دور از هیجان و تحریک به آزادی ایران پردازیم.

"فدرالیسم را از خارجی ها طلب نکنیم". فدرالیسم طرح و قبول همگانی را طلب می کند، در مرحله اول و به عنوان گام نخست، باید بتوانیم حاکمیت دموکراسی را جایگزین استبداد حاکم کنیم، چرا که بقیه خواست ها در "چارچوب ایران" از همین مسیر خواهد گذشت ^۱ (<http://www.aciiran.com/OPENING.htm>).

تا به امروز و به جرئت باید گفت هیچکدام از کشورهای غربی بدنبال منافع مردم ایران نبوده اند و منافع خود را در ایران دنبال کرده اند و انتظار دیگری هم نباید می داشتیم، آنها از سی سال پیش تا کنون منافع خود را در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی تشخیص داده اند و اینکه گاه گاهگاهی در رابطه با نقض حقوق بشر و زندان و اعدام هم اشاراتی می کنند برای خالی نبودن عریضه است، آنها همیشه بدنبال رسمیت بخشیدن و حمایت از رژیم جمهوری اسلامی بوده اند و تلاش داشته اند که فکر تغییر رژیم را خنثی کنند، غافل از اینکه این مردم ایران هستند که باید برای بقا و یا سرنگونی رژیم تصمیم بگیرند ^۷ (<http://www.aciiran.com/thankyoucondi.htm>) و این تنها به خود ما برمی گردد و ما ایرانیان هستیم که باید تنها یک هدف را در این زمینه دنبال کنیم و آن اینکه کلیت، تمامیت و موجودیت رژیم جمهوری اسلامی است که کشور ما را به مرحله سقوط رسانده است و باید از میان بر داشته شود را پیگیر باشیم.

وظیفه و مسئولیتی بسیار بزرگ بر سر راه تمامی ما ایرانیان قرار دارد که داخل و خارج و مرد و زن نمی شناسد، این حقارت و بی هویتی بر روی تمامی ما سایه انداخته است، کرد و ترک و بلوچ و عرب خوزستانی تفاوتی نمی کند و همه ما ایرانیان را در این حقارت شریک کرده است.

به خودمان بیائیم و برای مسائل مشکلات مان، امروز راه حل پیدا کنیم و دست آوردهایش را به پارلمان آینده ایران حواله دهیم - به آینده ای که چندان دور نیست و اراده و عزمی ملی را طلب می کند.

حسین لاجوردی
پاریس آپریل ۲۰۰۹

^۶ "با هم تلاش کنیم حکومت تهران را به دولت ایران بدل کنیم" - افتتاحیه کنفرانس انجمن پژوهشگران ایران " آینده ایران - حکومت غیر متمرکز، فدرالیسم...؟" شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ آذر ۱۳۸۵ - ۹ و ۱۰ دسامبر ۲۰۰۶

^۷ "خانم رایس چقدر خوب است که شما فکر تغییر رژیم در ایران را ندارید!" اطلاعیه انجمن پژوهشگران ایران ۵ اردیبهشت ۱۳۸۶